

## پیامبران و تمدن آینده بشر

مقدمه:

جایگاه پیامبران در زندگی انسان و تأثیرگذاری آنان در تمدن بشر پیشینه‌ای کهن دارد. این موضوع نه تنها از سوی متفکران و اندیشمندان گذشته‌نگر مورد توجه قرار دارد و به عنوان مسئله‌ای تاریخی و مربوط به نسل‌های گذشته تلقی و تعریف شده است، بلکه اندیشمندانی که وضعیت موجود و زندگی کنونی اقوام و ملت‌ها را بررسی می‌کنند و جنبه‌های مثبت و منفی آن را تحلیل و تفسیر می‌نمایند، از حضور و تأثیر پیامبران در عرصه حیات معنوی و مادی انسان امروز غافل نبوده و آن را با نظر مثبت و یا نگاه منفی می‌نگرند<sup>(۱)</sup>. فراتر آنکه صاحب‌نظران آینده‌نگر که توجه خویش را به آینده معطوف داشته و برآنند که پیشاپیش، تصویری از تمدن و زندگی آینده را برای نسل امروز ترسیم کنند و نیز نسبت به حضور پیامبران در تمدن آینده بی‌اعتنا نبوده و خواسته یا ناخواسته به آن پرداخته‌اند<sup>(۲)</sup>.

این امر نشانگر اهمیت موضوع است و مسئولیت خطیر پژوهشگران حقیقت‌جو و اندیشمندان خیرخواه و دلسوز را بازگو می‌کند. مباحثی که در این

۱. دکتر گوستاو لوبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۵.

۲. آلوس تافلر، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، ص ۵۱۷ تا ۵۲۰، آرنولد توینبی، آینده نامعلوم تمدن، ترجمه فرهنگ جهان‌پور، ص ۲۴۸.

مقاله عرضه می‌گردد، تلاش در جهت پاسخ به یک نیاز عمومی و رفع اضطراب نسبت به آینده است.

البته این مسئله در سطوح فکری مختلف و از جنبه‌های متعدد می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، اما در این مقاله به تبیین کلی موضوع بر پایه اسناد دینی و علمی و بیان آرای صاحب‌نظران موافق و مخالف بسنده خواهیم نمود.

### نقش پیامبران در تمدن معاصر

#### ۱. گرایش به اسلام

تمدن معاصر حلقه وصل میان تمدن گذشته و تمدن آینده است. از یک سو نهایت ارتباط و وابستگی را به تمدن گذشته دارد و از سوی دیگر پایه و زیربنای تمدن آینده است و با شناخت ویژگیهای تمدن معاصر می‌توان به تمدن آینده نزدیک شد. بنابراین شایسته است (از طرق و راه‌های ممکن) میزان تأثیرگذاری و حضور پیامبران در تمدن معاصر را ارزیابی نمود تا مقدمه و دست‌مایه‌ای برای پیش‌بینی حضور و عدم حضور آنان در تمدن آینده قرار گیرد. البته راه‌های مختلفی برای تعیین این امر وجود دارد، از جمله:

پایان قرون وسطی و آغاز نهضت علمی و انقلاب صنعتی در غرب، مقارن و همراه بود، با تشدید مبارزه و ضدیت قدرت‌های سیاسی با مراکز دینی. این امر در ابتدا بیشتر نسبت به دین مسیحیت بود که در مواردی مانع و رقیب قدرت‌سالاری زورمندان، و در مواردی سد راه عالمان و اندیشمندان و روشنفکران بود. اما این ضدیت محدود به مسیحیت باقی نماند، بلکه نسبت به دین اسلام نیز آغاز گردید و با روش‌های مختلف به جداسازی اسلام از مردم و مردم از اسلام اهتمام شد. بدیهی است که این اقدامات خصمانه در کاهش گرایش نسل‌های اخیر به اسلام بی‌تأثیر

۲. الهام‌پذیری

در حال حاضر نقطه‌هایی از جهان، عرصه برخورد و رویارویی و کشمکش همه‌جانبه میان قدرت‌های سلطه‌جو و استعمارگر از یک‌سو و اقوام

و ملت‌های ضعیف و مورد هدف از سوی دیگر می‌باشد. در این عرصه آنچه پیش از هر چیز به چشم می‌خورد، مقاومت و پایداری ملت‌های مورد تهاجم

نسبده است. با این وصف، تعداد و درصد گروندگان به مکتب پیامبران، به ویژه پیامبر اسلام اعجاب‌آور و شگفت‌انگیز است. هر روز (و پیوسته) شاهد گرویدن جمع تازه‌ای از مردم

جهان به دین مبین اسلام هستیم<sup>(۱)</sup> و این گرایش به این معنا محدود نیست که افراد گرونده، تعلق خاطر و دلبستگی درونی به یک مبدأ و یک مقصد غیبی یعنی خداوند پیدا کنند، بلکه در سراسر ابعاد زندگی معنوی و مادی، فردی و اجتماعی و جهانی آنان تأثیرگذار است و در مجموع به معنای ایجاد و پذیرش عناصر اصلی تمدن در مقیاس و

سرگذشت این شخص نامی الهامی یعنی محمد ﷺ بسی غریب و حیرت‌انگیز می‌باشد. کلمات او چنین قوم سخت و سرکشی را که تا آن وقت هیچ فاتح و کشورستانی نتوانسته بود وی را مطیع خود سازد، رام نموده و به درجه‌ای رسانید که دولت‌های با عظمت و ابهت عالم را زیر و زیر نموده و خود به جای آنها قرار گرفت و امروز هم آن پیغمبر امی از میان قبر خویش بر میلیونها نفوس حکمرانی می‌کند

چارچوب مکتب پیامبران است.

۱. اخیراً تعداد ۶۵ کشیش مسیحی (طبق آخرین اخبار) مسلمان شدند. (مجله افق حوزه، شماره ۴۳، سال سوم، مورخ ۸۴/۶/۱۶).

از میان قبر خویش بر میلیونها نفوس حکمرانی می‌کند<sup>(۱)</sup>».

### ۳. نام و نشان

محاسبه و آمار از نام و یاد و نشانی که پیامبران، به ویژه پیامبر اسلام در زندگی انسان معاصر دارد، ملاک زنده دیگری است برای تعیین حضور و عدم حضور آنان در تمدن امروز:

الف: تعداد فرزندان که به نام پیامبر نامگذاری می‌شوند، همچنین مراکز عبادی، علمی، بهداشتی و غیره که منسوب به آنها است، نشان‌دهنده نسبت و میزان این حضور است.

ب: تکرار و یادآوری نام پیامبران در محاورات روزانه فردی و گروهی مردم جهان در سطح بالایی قرار دارد، به گونه‌ای که اگر بخواهیم در یک مسابقه جهانی فرد اول یا چند فرد را که نامشان بیش از دیگران به نیکی گفته می‌شود

و تسلیم‌ناپذیری آنان در برابر قدرت‌های مهاجم است و قوی‌ترین عاملی که از آن الهام می‌گیرد و باعث می‌گردد سختی و رنج مقاومت برای آنان قابل تحمل گردد، حضور معنوی پیامبران الهی در باور و اندیشه آنها است. پایداری ملت‌های فلسطین، لبنان، عراق، افغانستان و ایران در برابر استعمارگران، دقیقاً برخاسته از حضور معنوی و واقعی پیامبران، به ویژه پیامبر اسلام در زندگی این ملتها است. یک دانشمند فرانسوی نفوذ بالفعل پیامبر اسلام را چنین بازگو نموده است:

«سرگذشت این شخص نامی

الهامی یعنی محمد ﷺ بسی غریب و حیرت‌انگیز می‌باشد. کلمات او چنین قوم سخت و سرکشی را که تا آن وقت هیچ فاتح و کشورستانی نتوانسته بود وی را مطیع خود سازد، رام نموده و به درجه‌ای رسانید که دولت‌های با عظمت و ابهت عالم را زیر و زبر نموده و خود به جای آنها قرار گرفت و امروز هم آن پیغمبر امی

۱. تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۵.

چ، اگر مطالعه و مراجعه به کتاب‌ها و نوشته‌های شخصیت‌های بزرگ و بانفوذ و تمدن‌آفرین را نشان از میزان حضور و اندازه تأثیرگذاری آنان در تمدن بدانیم، کتاب‌ها و سخنان برجای مانده از پیامبر اسلام بالاترین رتبه را دارد، زیرا قرآن کریم و سنت پیامبر بیش از هر کتاب و نوشته دیگر هر روز مورد قرائت و مطالعه و استناد قرار می‌گیرد.

### نقش پیامبران در تمدن آینده

نگاهی به تمدن آینده

برخی اندیشمندان پیشاپیش چهره‌ای (نه چندان دقیق) از تمدن آینده ترسیم نموده و پاره‌ای از نیازهای انسان در تمدن آینده را پیش‌گویی نموده‌اند. نسبت به ابعادی از آن اظهار خوش‌بینی

مشخص‌سازیم، این فرد کسی جز پیامبران و دقیقاً جز پیامبر اسلام نخواهد بود. زیرا جمع کثیری از مردم جهان در ساعات روز و شب پیوسته در عبادت‌ها و از جمله نماز خود، نام پیامبر اسلام را

برای آنکه تمدن موج سوم، تمدنی سالم و دموکراتیک شود به چیزی بیش از عرضه منابع انرژی جدید یا تکنولوژی الکترونیک نیاز است. حتی ایجاد نوعی مشارکت و هم‌دلی اجتماعی هم کافی نیست، بلکه باید این تمدن بتواند به زندگی نظم و هدف و معنا بخشد

به عنوان «رسول الله» به زبان آورده و بر او و خاندان او درود می‌فرستند و هر روز در بخش‌های وسیعی از شهرها و روستاها و رسانه‌ها، با صدای بلند و از طریق اذان، نام او را پس از نام خداوند، با عظمت گرامی می‌دارند.

نیست، بلکه باید این تمدن بتواند به زندگی نظم و هدف و معنا بخشد<sup>(۱)</sup>».

## ۲. ناتوانی علم و ثروت

عواملی که توقع می‌رفت خلأها را پر و نیازها را برطرف سازند، کارآمد نبودنشان در عصر حاضر به ثبوت رسیده است. قبلاً تصور می‌شد که مشکلات اساسی بشر معلول جهل و فقر است و با گسترش علم و دانش از یک سو و مبارزه با فقر اقتصادی و بهبود بخشیدن به وضع معیشت محرومان می‌توان به سلامت و تعالی جامعه دست یافت<sup>(۲)</sup>. اما تجربه‌های اخیر در کشورهای توسعه‌یافته و پیشرفته ناتوانی علم و دانش را از رفع مشکلات و کاستن مفاسد و جرایم اجتماعی اثبات نمود.

«در اوایل قرن نوزدهم دانشمندان و نویسندگان معتقد بودند که برای پیشگیری از ارتکاب بزه و انحرافات

کرده‌اند و نسبت به برخی جنبه‌ها و کاستی‌ها آن از هم‌اکنون نگرانی خویش را ابراز می‌دارند. در اظهارات این گروه چند موضوع به وضوح دیده می‌شود، از جمله آنکه:

## ۱. نیازهای تمدن آینده

علی‌رغم توسعه و تعالی مادی و گسترش علمی، اقتصادی، فنی، ارتباطی و اطلاعاتی که در تمدن آینده با اطمینان قابل پیش‌بینی است، خلأها و نیازمندیهای بسیار ضروری و بدون جایگزین در آینده مشهود است و اگر تمدن آینده صرفاً به تأمین نیازها و خواسته‌های ظاهری و فیزیکی انسان‌ها بسنده کند، تمدنی مطلوب و موفق نخواهد بود.

«برای آنکه تمدن موج سوم، تمدنی

سالم و دموکراتیک شود به چیزی بیش از عرضه منابع انرژی جدید یا تکنولوژی الکترونیک نیاز است. حتی ایجاد نوعی مشارکت و هم‌دلی اجتماعی هم کافی

۱. «موج سوم»، ص ۵۱۷ تا ۵۲۰.

۲. حقوق جنایی، جلد اول، ص ۴۲.

یکی از عوامل مهم بزهکاری محسوب می‌شود و این تصور در جرم‌شناسی مؤکداً تأیید نمی‌شود. زیرا در جوامعی که همه فقیر هستند، مالی برای ربودن وجود ندارد و گذشته از آن در بین افراد تهی‌دست روابط خانوادگی توأم با تعاون و همکاری و عطوفت و صمیمیت است. افراد فامیل و قبیله در غم و اندوه، سرور و شادی هم شریکند. کمک و دستگیری از یکدیگر را وظیفه وجدانی و دینی خود می‌دانند در صورتی که غالباً محیط خانواده‌های متمول و ثروتمند از صفا و وفا، انسانیت و محبت خالی است... گاهی متمولین برای اجرای مقاصد شوم خویش با پرداخت پول و دادن وعده، دیگران را به ارتکاب جرایم مختلف تشویق و ترغیب می‌کنند<sup>(۳)</sup>».

«همانگونه که اغلب جرم‌شناسان

معتقدند، عامل اقتصاد در حد خود بی‌تأثیر

بایستی آموزش و پرورش، همگانی شود. تحت تأثیر افکار و عقاید مذکور، قوانین تعلیمات اجباری در بسیاری از کشورها تصویب و با فعالیت چشمگیر مبارزه با بی‌سوادی آغاز گردید. ویکتور هوگو<sup>(۱)</sup> نویسنده فرانسوی در تأیید تأثیر آموزش و پرورش در اصلاح و تربیت افراد می‌نویسد: «یک مدرسه باز کنید تا در یک زندان بسته شود». لکن با گذشت زمان، نظریه مذکور با چنان تعصب پذیرفته نگردید. زیرا در قرن بیستم که روش آموزش و پرورش تغییر کلی یافته و برای تعمیم مبارزه با بی‌سوادی اقدامات مهمی انجام گرفته است، لکن با سواد شدن افراد سبب کاهش بزهکاری نگردیده و برعکس روز به روز بر تعداد بزهکاران - اعم از بزرگسالان و جوانان و اطفال - افزوده می‌گردد<sup>(۲)</sup>».

شبهه به تجربه شکست‌خورده

علم و دانش در مورد ثروت و رفاه مادی

نیز انجام گرفته است:

«به طور کلی در افکار عمومی، فقر

۱. Victor Hugo (1802 - 1885).

۲. دانش تاج‌زمان، «مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست»، ص ۲۶۱.

۳. همان، ص ۲۹۳ تا ۲۹۵.

(دکتر هوشنگ شامبانی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۹۰ تا ۹۳).

«بعضی‌ها مدعی هستند که با ترقی تمدن، مجازات‌های مدنی جایگزین مجازات‌های جزایی می‌گردد و تاریخ حقوق جزا پیوسته در حال نسخ می‌باشد. در صورتی که مشهود است عصر حاضر نشان می‌دهد که این ادعا مقرون به حقیقت نیست. در زمان پرآشوب معاصر شماره جرایم رو به تزاید است مخصوصاً در جوامعی که فرهنگ علمی و اخلاقی آن خیلی ضعیف شده باشد، جرایم جدید از قبیل ترک خانواده و معاملات نامشروع پیش‌بینی شده است».

(حقوق جنایی، ج ۱، ص ۵).

چنانکه ملاحظه می‌گردد در اظهارات فوق به عدم کارایی توسعه آموزشی و اقتصادی اعتراف شده است.

در بزهکاری افسرد نیست ولی فقر و تهی‌دستی نیز به تنهایی ملازمه با بزهکاری ندارد. چه اگر فقر با بزهکاری ملازمت داشته باشد، در این صورت باید قبول کرد که تمام افراد فقیر بزهکارند، حال آنکه چنین نیست. افراد زیادی هستند که در نهایت فقر زندگی می‌کنند و مرتکب بزه می‌شوند، ولی به عکس، بسیاری از خانواده‌های ثروتمند و مرفه‌الحال هستند که با پول کافی که در اختیار دارند، برای خوش‌گذرانی مرتکب سرقت و کلاه‌برداری شده و به مواد مخدر معتاد می‌شوند. دلیل آنکه آمار کشورها، بزهکاری را در خانواده‌های فقیر و تهی‌دست بیشتر نشان می‌دهد آن است که غالباً ثروتمندان به علت داشتن پول و مقام که در اختیار دارند، از چنگال نیروی انتظامی و مآلاً عدالت گریخته و نامشان در ردیف بزهکاران ثبت نمی‌شود».